

قصرتنا نما

مصطفیٰ بابا جانیپور

www.ketab.ir

سرشناسه: باباجانیپور، مصطفی، ۱۳۴۴
عنوان و نام پدیدآور: قصه‌ی ناتمام/مصطفی باباجانیپور.
مشخصات نشر: بابل: اکسیر قلم، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری: ۱۸۴ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۴۹-۸۸-۱
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: باباجانیپور، مصطفی، ۱۳۴۴ -- خاطرات
موضوع: کروناویروس‌ها -- ایران
موضوع: Coronaviruses -- Iran
رده بندی کنگره: CT۱۸۸۸
رده بندی دیویی: ۹۲۰/۰۵۵
شماره کتابشناسی ملی: ۸۳۰۲۵۸۵

قصه‌ی ناتمام

نویسنده: مصطفی باباجانیپور

ناشر: اکسیر قلم

طراحی جلد و صفحه‌آرا: اعظم حسین زاده

سال چاپ: ۱۴۰۰

شمارگان: ۴۰۰ نسخه

قیمت: ۸۰۰۰۰ تومان



دفتر مرکزی: بابل، خیابان مدرس، خیابان

رسولی ۲۴ (ماکان سابق) نرسیده به بنیاد

علمی حریری، نبش ابن سینا ۶

۰۸۵۰ ۲۱۷ ۰۹۱۱ - ۳۲۳۲۵۹۴۹ ۱۱

www.exireghalam.ir

Email: Exirpub@yahoo.com

@exireghalam_pub

● فهرست

- ۶ ● پیش‌گفتار
- ۹ ● کرونا آمد
- ۱۱ ● عید خلوت
- ۱۲ ● خار دل
- ۱۳ ● تشییع جنازه
- ۱۵ ● حرم‌ها بسته شد
- ۱۶ ● ایام غم نخواهد ماند
- ۱۷ ● نوع دومتی گل می‌کند
- ۱۹ ● کووید ۱۹ از کجا آمد
- ۲۰ ● نیک بنگریم
- ۲۱ ● ضد عفونی معبرها
- ۲۲ ● ورود ممنوع
- ۲۳ ● نسخه‌ای برای دفع کرونا
- ۲۴ ● ممد نبودی
- ۲۶ ● لغو قرنطینه
- ۲۷ ● رقص مرگ
- ۲۹ ● بهار شور
- ۳۰ ● کرونا از دیدگاهی حکمت است
- ۳۱ ● دم‌نوش اوجی
- ۳۲ ● مردم و قرنطینه
- ۳۴ ● وبا در گذشته
- ۳۶ ● وجه تسمیه یاغی‌کلا
- ۴۰ ● جزیره‌ی کیش
- ۴۱ ● کرونا و غم نان
- ۴۳ ● روزی که در مکتب‌خانه
- فلک شدم
- ۴۶ ● پارکبان و سحر قریشی
- ۴۷ ● هلال ماه رمضان
- ۴۸ ● شامی بابلی
- ۴۹ ● نشا و ماه رمضان
- ۵۲ ● مراکز تجاری بایلسر
- ۵۳ ● قصه‌ی وبا و طاعون
- ۵۶ ● رودخانه‌ی «خرون» -
خمیره‌های شجنه‌کلا
- ۶۲ ● چکه ری و اودنگ
- ۶۳ ● ساز تنهایی
- ۶۴ ● خطر کرونا بیخ گوش مردم است
- ۶۵ ● زلفِ شه
- ۶۷ ● مثبت‌های کرونا
- ۶۸ ● کرونا و شب‌های قدر
- ۶۹ ● کلا کتی
- ۷۱ ● کردیکلا
- ۷۲ ● لوش غلط
- ۷۵ ● آن‌ها که جان باختند

- ۷۷ ● عید فطر^۴ ۱۳۲ ● جشن یک گورستان
- ۷۹ ● چترم در اثر باد شکست ۱۳۵ ● تصمیمی برای محرم
- ۸۲ ● تقدیم به روح بلند مادرم ۱۳۷ ● خانه‌های راسته‌ای
- ۸۴ ● با کرونا زندگی باید کرد ۱۳۹ ● یاد آن روزها بخیر
- ۸۵ ● زیبایی حلقه‌ی دف ۱۴۱ ● اسبان ایلخی
- ۸۶ ● دختر تالشی عاشق می‌شود ۱۴۳ ● آداب و رسوم تغییر می‌کند
- ۸۸ ● عشق را باید کشت ۱۴۸ ● خلاص
- ۹۰ ● ورود به حوزه علمیه- ۱۳۵۶ ۱۵۰ ● سال صفر
- ۹۶ ● پنجشنبه ناز گلایا- ۱۵۱ ● آموزش نظامی و کردستان
- ۹۹ ● زندگی کرونایی مدرسه‌ی دیوا ۱۶۱ ● چون یک سیب
- ۱۰۲ ● قتل‌های دخترکان معصوم ۱۶۳ ● کرونا و عاشورا
- ۱۰۷ ● هوا تاریک است ۱۶۵ ● خون دل
- ۱۰۹ ● یادنامه ۱۶۶ ● یاد کردن هرکده
- ۱۱۱ ● دوران طلبگی ۱۶۱ ● «وای، این شب چقدر تاریک است!»
- ۱۱۵ ● شهر، حال خوش ندارد ۱۶۹ ● کرونا و سال تحصیلی
- ۱۱۷ ● عروسی در اوج کرونا ۱۷۳ ● تنبیه پدربزرگ
- ۱۲۰ ● نغمه‌ی خداحافظی ۱۷۶ ● تو خود حدیث مفصل
- ۱۲۲ ● کدخدای پیرمرد و پاکار بخوان از این مجمل
- ۱۲۵ ● میرآب ۱۷۸ ● روزی که دختری به گریه افتاد
- ۱۲۶ ● تا واقعیت ۱۸۰ ● دختری که شاعر می‌شود
- ۱۲۸ ● شویبه (شب‌پا) ۱۸۲ ● قصه تمام نمی‌شود

پیش‌گفتار

به نام خداوند جان و خرد

در این حدیث که می‌کنم، سخنی نرانم که به قول ابوالفضل بیهقی: «به تعصّبی یا تزیدی کشد» و نسل‌های بعد، بر من خرده گیرند و تاریخ، شرم‌ها بر من روا دارد. آنچه می‌گویم، راست آزمایی از خبرهای واقف دنیای رسانه‌ایست.

در قرن بیست و یک میلادی، دنیا خانه‌ی کوچک شیشه‌ایست. اطلاعات، سریع درج می‌شود، پنهان‌کاری در حداقل قرار دارد. رازهای سر به مهر، به ناگاه فاش خواهد شد. زمان برای قدرت سایه‌ها، زود می‌گذرد. بر آنم که سخن‌ها، بی‌پرده گویم، همراه با ادب و احترام تمام.

برای تنوع خوانندگان، از گذشته و حال روستای خودم سخن‌ها می‌گویم. همین‌جا بوزش از کسانی دارم که شاید وصف‌الحال یاغی‌کلا، به مذاق خوش نیاید. آنچه که برایم یقین است، گفته‌ها می‌آورم. روستایی که خود در آن تولد یافتیم و رشد کردیم، وجب به وجبش گویای خاطرات تلخ و شیرین من است.

نگارش این کتاب را چهار هدف در پیش است:

- ۱- بیان خاطراتی که ویروس کرونا، چه بلایی بر سر مردم آورده است.
- ۲- گردآوری شمه‌ای از نوشته‌ها و شعرهای پراکنده‌ی خودم.

۳- ذکر خاطراتی از زندگی‌ام که در حقیقت یک تاریخ بی‌دروغ است. تاریخی که به یقین پندآموز خواهد بود.

۴- معرفی روستای خودم و آبادی‌های بدون سکنه‌ی همجوار.
ذکر اینکه یاغیان چه کسانی بودند؟ برخلاف تصور، مردان یاغی کلایی، انسان‌های متمدن و ظلم‌ستیزی بودند. بر حسب سیاست روزگار، محصور شدند تا اینکه زیر سلطه‌ی محتسب‌ها قرار گیرند.
هیچ ادعایی نیست که این نوشته، به دور از هرگونه عیب باشد. نقد منصفانه‌ی عزیزان دل‌را، به جان خریدارم. باشد که نقدهای دوستان، راهگشای کارهای آینده‌ام گردد.

روا می‌دارم از همه‌ی عزیزان جان که مرا در نوشتن این کتاب یاری کردند، تشکر کنم. از خردمندان دوست و ریش‌سفیدان آگاه، سپاس‌ها دارم. اینان کسانی بودند که خاطرات و معلومات خود را با اشتیاق در اختیارم گذاشتند.

شایسته دارم تشکر ویژه کنم از همسرم که در انتخاب عنوان‌ها، همواره یاری‌گرم بوده است. هر عنوانی اگر بار معنایی و عاطفی نداشته باشد، از رغبت خوانندگان خواهد کاست. پیروزی و رستگاری همگان را از خدای بزرگ خواهانم.

مصطفی باباجانپور

بابل - پاییز ۱۳۹۹ خورشیدی